

## مصاحبه با آقای محمود صالحی

### علی خدزی از انجمن جمال چراغ ویسی

مقدمه:

محمود متولد 1341 است. هنوز کودکی 6 ساله است که بناچار وارد محیط بیرحم کار میشود. او در سن 16 سالگی و هم زمان با خیزش انقلابی مردم ایران وارد فعالیتهای سیاسی - کارگری میگردد. این نوجوان 10 سال تجربه کارگری را با فعالیتهای سیاسی پر شور میآمیزد. او در همین سن کم در احیای سندیکای کارگران خباز سقز نقش بازی میکند. با یورش نظامی به کردستان در سال 59 دستگیر میشود، اما بدلیل فقدان مدرک آزاد میگردد. او بلافاصله فعالیتهای کارگری خود را از سر میگیرد. در کوران بگیر و ببندهای سال 60 دوباره به زندان میافتد، ولی ماموران قادر نمیشوند هیچ اعترافی از او بگیرند و بناچار آزادهش میکنند. در سال 61 دوباره بازداشت میگردد و دوباره خود را از بند میرهاند تا به فعالیتهای کارگریش ادامه دهد. حالا درست 20 سال دارد و 14 سال تجربه کارگری و 4 سال فعالیت سیاسی - کارگری را بدنبال دارد. از آنجا که فعالیت در سقز برایش مشکل میشود به مهاباد میرود. او در ادامه فعالیتهای کارگری خود در آنجا در تشکیل سندیکای خبازان مهاباد نقش ایفا مینماید. او در سال 62 با دست زدن به ابتکاری جالب اول ماه مه را در مهاباد برگزار میکند (در متن به آن اشاره میکند) و بناگزییر شهر را بجا میگذارد. ماموران دوباره در سال 65 دستگیرش میکنند و این بار تا اواخر سال 68 در بند میماند. در سال 73 در تشکیل "انجمن صنفی کارگران خباز سقز" شرکت میکند و آنرا پوششی میکند برای ادامه کار سندیکا. او ابتدا بازرس و پس از دو سال دبیر انجمن میگردد. در سال 78 برای چندمین بار احضار و در سال 78 به زندان میافتد. در سال 80 آزاد و در لیست سیاه قرار میگیرد. در همین سال زیر فشار کارگران ناچار میشوند به او اجازه بدهند تا در اول مه 7 دقیقه صحبت کند. قبل از برگزاری مراسم ماموران او را میدزدند. کارگران نیز فوراً مقامات را به گروگان میگیرند و ماموران را ناچار میکنند محمود را برگردانند و به طرف بلندگو هدایت کنند. در همین سال اعضای تعاونی مصرف او را انتخاب میکنند. در شهریور 81 با رای کارگران عضو هیئت مدیره تعاونی مسکن دخانیات نیز میشود. در سال 81 چون اجازه سخنرانی در مراسم اول مه را نمی یابد بیشتر در تدارک مراسم شرکت میکند. در سال 82 در مراسم اول مه بوکان شرکت میکند. او در سال 83 قصد برگزاری اول ماه مه در سقز را میکند که دستگیر میشود. از این بعد داستان زندگی محمود شناخته شده است.

سوال:

با تشکر از شما بخاطر قبول این مصاحبه اولین سوال خود را اینطور مطرح میکنم: شما در اول ماه مه سال 1383 درگیر کشمکشی شدید با نیروهای انتظامی شدید، به زندان افتادید، با همراहतان در زندان سرود انترناسیونال خواندید و روز جهانی کارگر را برگزار کردید، شما پارسال در سقز در میان شور و تشویق کارگران علیه سرمایه داران و مقامات سیاسی آن و تشکلهای دولتییشان چنان صحبت کردید که عرق شرم بر چهره های زانو صفتان و نوکرهایشان نشانید، شما با این پیشینه در این روزهای پیش از رسیدن روز جهانی کارگر چه احساسی دارید؟

جواب:

احساس کسی را دارم که در یک مبارزه پیروز شده است. احساس شادی و سرفرازی دارم. برای اینکه عمق این احساس را نشان بدهم به برگزاری مراسم اول ماه مه 1362 اشاره می‌کنم که بعد از سرکوبهای دهه 60 در شهر مهاباد برگزار کردیم.

سوال:

یعنی در سال 1362.

جواب:

بله. در سال 1362 من و دوستانم محمود آخوند، از فعالان کارگری آن دوره، تصمیم گرفتیم در یازده اردیبهشت، مراسم روز جهانی کارگر را در شهر مهاباد در یک سطح توده‌ای برگزار کنیم. حالا مهاباد در آن زمان به لحاظ سیاسی چه موقعیتی داشت؟

ا: یک شهر نیمه صنعتی بود که گرایش سوسیالیستی در میان کارگران در حال رشد بود.

م: مهاباد سنتا محل نفوذ ناسیونالیسم سنتی کرد بود، اما در دهه چهل و پنجاه یک توده وسیع کارگر در آن شکل گرفته بود و ما تصمیم گرفتیم مراسم اول مه را نه در باغات و محافل خانوادگی بلکه در میان این کارگران برگزار کنیم. هم محمود آخوند و هم من در آن شهر مشغول کار خبازی بودیم و با اکثریت کارگران خباز آن شهر ارتباط مستقیم داشتیم. چند روز قبل از اول ماه مه تصمیم گرفتیم که در خبازیه‌ها حضور پیدا کنیم و برای مردمی که جلو خبازیه‌ها برای تهیه نان روزانه صف کشیده بودند سخنرانی کنیم. برای این کار به شاطران خبازیه‌ها مراجعه کردیم و تصمیم مورد نظر را با آنان در میان گذاشتیم که در نتیجه قرار شد هر کارگر ارشدی که مردم برای آنان احترام قائل بودند از ساعت 10 صبح الهی 10 سی دقیقه در مورد روز جهانی کارگر برای مردم صحبت کنند. من و آخوند هم قرار بود در دو میدان اصلی شهر که محل تجمع کارگران فصلی بود در ساعت 10 صبح سخنرانی کنیم. آخوند در سه راه میدان آرد و من هم در میدان آهنگران برای کارگران سخنرانی کردیم که مورد تشویق مردم قرار گرفتیم. وقتی نیروهای دولت متوجه شدند ساعت از 11 صبح گذشته بود و آن وقت با نردبانهای بلند آمدند و شهر را از اطلاعیه‌های که به مناسبت اول ماه مه در شب گذشته نسب کرده بودیم پاکسازی کردند. با توجه به موقعیت آن زمان ما مراسم را با موفقیت برگزار کردیم. دستگیری ما در سال 83 و احکام زندان طبعا تاثیراتی مثبت و منفی بجا گذاشته است. تا آنجا به ما برمیگردد ما خود را پیروز این میدان میدانیم.

سوال:

توده کارگر چی؟

جواب:

تا آنجا که به منطقه ما بر می‌گردد فاکتورهای نشان می‌دهد که تاثیر منفی نداشته است. این روزها صد نفر صد نفر به ما مراجعه میکنند و میپرسند که چه کار کنیم. مراجعه به ما به نسبت سال 83 دهها برابر شده است. پس روحیه بالاست. واقعیت قضیه هم این است که دولت در این مورد ترس و ضعف خود را نشان داد. آخر ما بمب که پخش نکرده بودیم. شیرینی پخش کرده بودیم. از کسی نخواستیم بودیم بانک و اداره منفجر کنند، از مردم خواسته بودیم به مراسم روز کارگر بیایند

و شاد باشند. ماده 610 مجازات اسلامی که علیه ما بکار گرفته شد وحشت دولت از صفوف ما را نشان داد- این دآوری ماست و ما امسال دوباره مراسم میگیریم. حال چه نوع مراسمی میگیریم بعداً مشخص خواهد شد. ما به تاکید مراسم مورد نظر خود را میگیریم و قانوناً هم کسی حق ندارد جلو ما را بگیرد- البته ما همه احتمالات را پیش بینی میکنیم.

سوال:

حرفهای شما نشان میدهد که روز جهانی کارگر برای کارگر در ایران ویژگیهایی دارد. یعنی یک جایگاه مبارزاتی خاص دارد. میشود در این مورد توضیحاتی بدهید-

جواب:

خود اول مه به هیچ کشور خاصی مربوط نیست- روز جهانی یک طبقه است - به این معنی روز اول مه برای کارگر در ایران همان معنایی را دارد که برای کارگر آلمانی، آرژانتینی، چینی، اوگاندایی و فلسطینی دارد. اما عکس العمل دولتها و بورژوازی در هر کشور ویژگی خود را دارد در بعضی جاها مثل ایران اول ماه مه بیشتر جنبه رزمندگی داشته است. اما طبقه ما باید در هر حال و همیشه اینرا به یاد داشته باشد که مشترکات اصلیش با همطبقه هایش آنقدر زیاد است که این ویژگیها را در سایه قرار میدهد. طبقه کارگر در این روز باید ضمن بکار گرفتن تاکتیکهای ویژه خود در تقویت این حس همبستگی جهانی بیشتر بکوشد. مثلاً وجود همین "خانه کارگر" و ضرورت خنثی کردن دسیسه های آن یک تاکتیک ویژه به کار ما میدهد- این تشکل دولتی که مورد نفرت اکثریت کارگران است فراخوان داده است که امسال مراسم یازده اردیبهشت به پشتیبانی از سیاستهای هسته پی دولت به پیش برده میشود. خوب این یعنی درخواستهای متعدد طبقه کارگر هیچ. یعنی طبقه کارگر را دنباله رو بورژوازی کردن- خوب ما بیاد داریم که اینها کی هستند- اینها همکاران کارفرما هستند. یا اینکه مثلاً این امکان هست که مراسمی ما مورد یورش قرار گیرند. خوب اینها ویژگی میدهند به کار ما.

سوال:

به نظر شما مراسمی چند سال اخیر که در شهرهایی نظیر تهران، سمنان و سقز برگزار شد چه تاثیری بر تناسب قوای بین سرمایه دار و کارگر گذاشته است؟

جواب:

به نفع طبقه کارگر تاثیر مثبت گذاشته است. کارگران الان فعالانه تر از گذشته از فعالینی دفاع میکنند که درگیر مراسمها بوده اند. همین امر بر جسارت و اعتماد بنفس این فعالین افزوده است- اقشار اجتماعی دیگر نظیر زنان و جوانان، مخصوصاً آنها که سازمانهای غیردولتی (ان او جی)ها در تلاش برای تدارک اول مه خیلی فعالند. ادبا و شعرا نسبت به مسایل کارگری حساس شده اند. برای نمونه یک انجمن ادبی به مناسبت روز جهانی کارگر میزگردی گذاشته بودند و مرا دعوت کردند تا راجع به جنبش کارگری صحبت کنم. (متأسفانه اجازه برگزاری آنرا ندادند) در منطقه ما مسئولانی که به شکلی خود را با دادن مجوز ساخت زمین به کارگران تداعی می کنند از روز کارگر و قطعنامه ای که در این روز صادر می شود وحشت دارند. این عده مبادا نامشان در سخنرانیها فاش شود. این روزها دارند کار های به نفع تعاونی های مسکن کارگری انجام می دهند.

سوال:

به این قرار باید تلاش در جهت تدارک برگزاری مراسمها زیاد باشد.

جواب:

چشمگیر است. شخص که میبندد کارگرانی مبارز و انسانهایی آزاده بدون ترس شب و روز مشغولند تا مراسمی مناسب برگزار کنند نمیتوان از تحسینشان خودداری کرد. در این میان می شود به کوشش های در شهر سنج اشاره کرد. اما متاسفانه در بعضی شهرها دیده شده است که منافع حزبی موجب تفرقه شده است. در روزی که همه کارگران اعم از زن و مرد و شاغل و بیکار صرفنظر از هرگونه تعلق مذهبی، سیاسی و قومی باید با صفی متحد به میدان بیایند و ابستگان به بعضی از احزاب میکوشند یگانگی کارگری را فدای منافع گروهی کنند.

سوال:

به نظر شما راه حل این مشکل چیست؟

جواب:

تا آنجا به مراسمی امسال برمیگردد باید رهبرانی که طی یک پروسه مبارزاتی مقبول افتاده اند هدایت را بدست بگیرند و از طریق بحث و تبادل نظر و جوه اشتراک طبقاتی در بین کارگران وحدتی ایجاد کنند که به دور از هرگونه مصادره حزبی باشد.

سوال:

اگر در آنجا کس یا کسانی بودند که منافعیشان در ایجاد تفرقه باشد چکار کنند.

جواب:

اکثریت را پیرامون خود بسیج کنند و آنها را برانند.

سوال:

با توجه به توازن موجود و اوضاع سیاسی برگزاری مراسمی درون شهری و مستقل چقدر ممکن است؟

جواب:

پیش شرط برگزاری مراسمی مورد نظر شما وجود یک توده کارگر صاحب سنت و رهبرانی جسور و با تجربه است. هر جا که این دو پیش شرط آماده باشد آنگاه باید به فاکتورهای دیگری پرداخت که مهمترین آن توازن قواست. اما اینجا باید به یک نکته مهم توجه داشت. در کشور ما بخشی از عوامل چنان بهم ریخته که درک توازن قوا ساده نیست. من قبلا اشاره کردم که علیه ما که قصد برگزاری مراسمی مسالمت آمیز را در اول مه 83 داشتیم ماده 610 مجازاتهای اسلامی را بکار گرفتند که به جرایم مربوط به اغتشاش اختصاص دارد. کلا در کشوری که در قوه قضائیه اش هرکی هرکی حاکم است و در قوای اجراییش کس به کس نیست نمیتوان چیزی را با دقت تعیین کرد و همیشه باید جای مقداری ریسک باقی گذاشت. با این حال بعضی حوادث نشان میدهد که تیغشان کند شده. با آن بسیج وسیعی که علیه کارگران شرکت واحد کردند و آن میزان از

خشونت که بکار گرفتند نتوانستند آن کارگران را به عقب بکشانند. یا اخیراً دوباره شمشیرها را علیه زنان از رو بستند، اما در مواجهه با اولین موج مقاومت عقب نشستند. قبلاً میخواستند از تهدیدات غرب علیه برنامه انرژی هسته‌یی در جهت ایجاد ترس استفاده کنند. وقتی دریافتند که اینکار مقاومت شدید ایجاد خواهد کرد دست کشیدند و گفتند نمی‌خواهند در جامعه تنش ایجاد کنند. خوب امیدواریم که علیه جنبش کارگری نیز تنش ایجاد نکنند.

سوال:

شما فکر میکنی که چه نکاتی را باید در سخنرانیها گنجانند؟

جواب:

در هر سخنرانی طبعاً اشاراتی به مشکلات محلی کارگران وجود دارد که فقط فعالان محلی آنها را میشناسند و من پیشنهادی برای این بخش ندارم. اما میتوان برای بخشهای دیگر پیشنهاداتی را مطرح کرد. اول ماه مه برای ما روز اعتراض است علیه استثمار، ستم سرمایه و استبداد. رفع این ظلمها نیز فقط از این راه ممکن است که طبقه‌یی قدرت را بدست بگیرد که رهایی خودش در گرو رهایی بشریت است. این طبقه هم جز طبقه کارگر نیست. قدرتگیری نیز فقط توسط خود طبقه ممکن است. هر کس چیزی غیر از این بگوید به لحاظ سیاسی جدی نیست. طبعاً در این روز فرصت آوردن دلایل وجود ندارد. باید احکام خود را صادر کنیم.

نکته مهم دیگر به نقش جنایتکارانه دولت آمریکا در منطقه برمیگردد. کارگران از یک موضع ضد استثمار و برابری طلبانه با بورژوازی آمریکا و دولتش مخالفند. در این مورد نباید مرز ما با نیروهای مرتج قاطعی شود. در مورد نیروی هسته‌یی نیز ما مخالف هرگونه جنگ غیر عادلانه و خواهان نابودی همه سلاحهای کشتار جمعی هستیم. آمریکا خود اولین بکار برنده سلاح هسته‌یی است و کاری جز استثمار، غارت و تقویت ارتجاع ندارد و با همین صفات نیز باید مورد خطاب قرار گیرد. در کردستان بعضی نیروهای شناخته شده سیاسی مستقیم و غیر مستقیم تبلیغ میکنند که آمریکا پس از سقوط اردوگاه شرق طرفدار دموکراسی و تحقق حقوق ملیتها شده است. اینها نیروهایی مرتجع و دروغگو هستند. ما دموکراسی طلبی آمریکا را در افغانستان، عراق، زندان ابوغریب، گوانتانامو و در زندانهای مخفیش دیده ایم. در مورد حقوق ملتها نیز فلسطین مقابل چشم ماست. مواضع ما در این مورد نیز موضعی چپ، سکولار و ضد امپریالیسی است. از همین موضع میتوان از جنبش ضد جنگ دفاع کرد.

در مورد مسایل کارگری باید از اهمیت و ضرورت انحلال شوراهای اسلامی کار و برخورداری از حق ایجاد تشکل صحبت کرد. ما کارگران باید بدون ترس از هرگونه احضار و زندان به تشکیل تشکلهای خود اقدام کنیم. بیکاری، اخراج، تنگدستی، کار موقت، قرارداد سفید، چک سفید پشت طبقه ما را خم کرده است. کودکان خیابانی حاصل این وضعیت است. اعتیاد میلیونی عمدتاً ناشی از این وضعیت است. پدر سالاری و فقر عامل خودکشی زنان و مردان در جامعه هستند. ما باید با مبارزه خود علیه این مصایب بایستیم و داغ ننگ بر پیشانی عاملان آن بکوبیم. مبارزه موفقیت آمیز اخیر کارگران و جوانان فرانسه در این مورد میتواند سر مشق خوبی برای ما باشد. تبعیض قانونی علیه زنان باید متوقف شود. وظیفه زنان و مردان پیشرو است که با سنتهای زن ستیز و با مرد سالاری مبارزه کنند.

سوال:

شما در پیشنهادات گفته شده خطوط یک قطعنامه را روشن کردید. نکته دیگری هست که بخواهید اضافه کنید؟

جواب:

بله در این مورد نکته یی را مطرح میکنم. معمولاً دو سه ماه روی یک قطعنامه کار میشود و روز دوم مه به بایگانی سپرده میشود. در حالیکه پیگیری خواسته ها مهم است. لازم است کمیته های برگزار کننده اول مه کمیته پیگیری خواسته ها را هم ایجاد کنند.

سوال:

آقای صالحی آیا نکته دیگری هست که بخواهید مطرح کنید؟

جواب:

نه. موفقیت همه را آرزو میکنم.  
: ما هم برای شما سر بلندی بیشتری را خواهیم

از طرف "انجمن کارگری جمال چراغ ویسی"، علی خدري  
29 آوريل 2006، برابر با 9 ارييهشت 1385